



۲

### نقاشی فلاندری در قرنهای ۱۴ و ۱۵

هنر فلاندر ۱ در نیمه نخستین قرن پانزدهم در پیشرفت و رونق، با هنر ایتالیا برابری می کرد و مکتب بورگونی Bourgogne و بروژ Bruges



هانس مملینگ - بردن عیسی به نمازخانه

از مشهورترین مکتبهای ایتالیائی نیز واپس نمی ماند. دوک بورگونی حامی

(۱) کلمه فلاندر Flandre سابقاً به ناحیه ای از اروپا اطلاق می شد که امروز قسمتی در شمال شرقی فرانسه و قسمتی در بلژیک و قسمت کوچک دیگری از آن در هلند واقع است و بدریای شمال اتصال دارد. این ناحیه با اتلاقی و هم سطح دریا بوده است و کم کم زمینهای آن را با خشک کردن ساحل بدست آورده اند. نسبت باین ناحیه در زبان فرانسه Flamand و در انگلیسی Flemish است.

ژان ون ایك Jean Van Eyck بود که مؤسس شیوه معروف فلاندری در نقاشی است .

برادران ون ایك که یکی «هو بر» و دیگری «ژان» نام داشتند در فن نقاشی انقلابی پدید آوردند. این انقلاب نتیجه کشف رنگ روغنی بود . پیش از ایشان در آمیختن رنگ باروغن چندان مهارتی نداشتند . بعلاوه ایشان ماده روغنی یافتند که خیلی زود پرده های نقاشی را خشک می کرد . در شیوه نقاشی هم



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رزاق علی محمدی  
 «تئوری بوسه» (۱۳۷۵: ۱۴۰۰) بر عاقلیت فرهنگی



موفق شدند که رنگ‌ها را بصورت قشرهای نازکی روی هم قرار بدهند و باین طریق فواصل متعددی میان رنگها بدست بیاورند. هیچ نقاشی نتوانسته است از اتخاذ این طریقه بیش از ژان وون ایک استفاده کند. وی مدت‌ها پیش از نقاشان و نیزی منظره و دور نماهای فضائی را ابداع کرد، یعنی با کم کردن تدریجی شدت رنگها بحسب فاصله اشیا، عمق را جلوه می‌دهد و دنیای خارج را برجسته و حقیقی بنظر می‌آورد. جزئیات پرده‌های او چنان بادقت نقش شده که هرگز از آن حد تجاوز نمی‌توان کرد.

نخستین استاد ژان برادرش هو بر بود و این دو برادر نخست با هم کار می‌کردند اما هو بر هنگامی که بنقش پرده سه پارچه «گوسفند خدا» در کلیسای شهر «گان» مشغول بودند در گذشت و ژان تنها پرده را بیا بیان رسانید تا در سال ۱۴۳۲ در معرض تماشای عموم گذاشته شد و شهرت فراوان یافت. ژان وون ایک چهره نگارز پرستی بود و در قیافه اشخاصی که در مجالس نقاشی خود می‌کشید همه روحیه و صفات و خصوصیات چهره ایشان را نمایش



پالین آوردن عیسی از صلیب

«روژه» و ندر ویدن (۱۴۶۴-۱۴۰۰)





می‌داد. در پرده‌های مذهبی هم تمایل شدیدی بنقاش امور واقعی داشت. تصویرهای حضرت مریم که او کشیده‌است در واقع چهره دختران ناحیه فلاندر است که برای آنکه معرف مریم عنذرا باشند نقاش در صورت آنها بسیار کم‌تصرف کرده‌است. همه اشخاص در پرده‌های او از روی طبیعت نقاشی شده‌اند. زمینه پرده اغلب منظره‌ای عادی است که با کمال ظرافت قلم تصویر شده است.

در اینجا نمی‌توان از همه نقاشان و هنرمندانی که شیوه ون ایک را پیروی کردند و فن تازه فلاندی را در پرده‌های نقاشی خود بکار بردند یاد کرد زیرا که در قرن پانزدهم هنر نقاشی در فلاندر چنان رواج و رونقی یافته بود که از صنایع ملی بشمار می‌رفت.

جانشین بلا فصل ون ایک در حقیقت روزبه ون در ویدن Rogier

Van der Weyden شمرده می‌شود که

رئیس مکتب فلاندر شد. آثار ویدن با همه

سردی و خشکی که دارد بسبب جنبه مذهبی

و عرفانی قابل توجه بسیارست و در طرز

نمایش اشکال نیز از اسلوب پیکر سازی گوتی

متأثر است. ون در ویدن پنج سال پیش از

آنکه فیلیپ لوبون Philippe le Bon شهر

بروکسل را متصرف شود و آنجا را مقر

دائمی خود سازد در این شهر اقامت گزیده

بود. تأثیر شیوه ویدن در آلمان و کشور

خود او یعنی فلاندر بسیار بود.

در این زمان قدرت سلسله بورگونی

رو به فزونی می‌رفت و بر اثر این رونق حکومت

نقاشی فلاندر نیز به اوج ترقی رسید. در سال

۱۴۷۳ شارل بیس Charles le

Téméraire آخرین امیر سلسله بورگونی

کباده سلطنت می‌کشید. در این زمان

ژوست گاندی Juste de Gand را دوک

فدریگو دو منت فلترا به شهر اورین دعوت کرده





بود و ون در گوس Van der Goes برده سه پارچه خود را که « عبادت  
شبانان » نام دارد نقش می کرد .  
یکی از مشهورترین شاگردان ون در ویدسن بنام هانس مملینگ  
Hans Memling که در شهر کولونی تحصیل کرده و سپس درسك شاگردان  
او در آمده بود ظاهراً در بعضی از پرده‌ها با استاد همکاری کرده است .  
معروف‌ترین آثار او در شهر بروژ که محل سکنی هنرمند بوده و هنوز وجود دارد .



هانس مملینگ - (۱۴۳۳-۱۴۹۴) - بخشی از سبک دهانه



مملینگ که اغلب برای مؤسسات مذهبی خیریه نقاشی می کرد احساسات رحم و شفقت مذهبی را بهترین وجهی در آثار خود بیان کرده است، اما البته کارهای او آن عظمت تأثیر و علو عواطف دینی را که در پرده های ویسدن مشهود است ندارد.



«هوگوون در کوس» - خانوادۀ مقدس  
 قسمت شمالی این سرزمین یعنی هلند که بعدها یکی از بزرگترین مراکز هنری جهان شد در قرن پانزدهم هنرمندی که نامش در خورد ذکر باشند داشت و اغلب نقاشانی که اصلاً از اهالی آن ولایت بودند بناحیه فلاندر رفتند و در آنجا بکار پرداختند. از آن جمله بود تیری بوتس Thiery Bouts از اهالی شهر هارلم. با این حال یکی از مردم آن ناحیه را نام باید برد که صاحب شیوه ای بسیار عجیب و مبتکرانه است. این نقاش که در نیمه دوم قرن پانزدهم می زیست هیرونیموس بوش یا بتسلفظ فرانسوی ژرم بوش Hieronymos Bosch نام داشت و هنرمندی «هجاساز» بود که اندیشه و شیوه کارش از زمان خود او بسیار پیشتر می رفت. در پرده های این هنرمند تخیلات و هم انگیز و مجالس وحشت زبا بطرز عجیبی ترسیم شده است. آثار او در اسپانی بسیار مورد علاقه بود و اکنون هم بسیاری از کارهای او را در موزه های مادرید می توان دید.

پژوهنده